

# پژوهشهای حقوقی

شماره ۹

هزار و سیصد و هشتاد و پنج - نیمسال اول

## مقالات

- فراز و فرود حقوق هسته ای جمهوری اسلامی ایران : از شورای حکام تا شورای امنیت
- تشکیل قرارداد در فضای سایبر
- قانون قابل اجرا در حمل و نقل هوایی: بررسی سوانح هوایی فوکر ۲۸ (۱۳۷۳) و سی - ۱۳۰ (۱۳۸۴)
- ممنوعیت حجاب اسلامی در اروپا از نظر موازین حقوق بشر
- جبران خسارات وارده به جمهوری اسلامی ایران به دلیل حملات غیرقانونی ایالات متحد به سکوهای نفتی

## موضوع ویژه : حقوق سرمایه گذاری در ایران

- بررسی قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ و تأثیرات آن بر بازار سرمایه ایران
- موافقتنامه راجع به اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت (موافقتنامه تریمز) و آثار حقوقی الحاق ایران به آن
- ابعاد حقوقی انتقال فناوری از طریق سرمایه گذاری خارجی
- سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب قراردادهای ساخت، بهره برداری و انتقال با نگاهی بر قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱
- نظام حمایت از سرمایه گذاران از رهگذر طرح پرداخت غرامت به آنان در حقوق اتحادیه اروپا

## نقد و معرفی

- مصلحت اندیشی هیأت عمومی دیوانعالی کشور در واگذاری رسیدگی برخی جرائم اطفال به دادگاه کیفری استان
- چارچوب حقوقی قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت در مورد برنامه هسته‌های جمهوری اسلامی ایران
- نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد





[http://jlr.sdil.ac.ir/article\\_44513.html](http://jlr.sdil.ac.ir/article_44513.html)

## نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد

دکتر سیدقاسم زمانی\*

### مقدمه

در چند دهه اخیر نظام بین‌المللی حقوق بشر در بُعد معیارسازی و قاعده‌پروری توسعه‌ای شگرف را به تصویر کشیده است. این روند که با تأسیس سازمان ملل متحد (۱۹۴۶) و صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ آغاز گردید به تدریج آن چنان شتاب گرفت که در آغاز قرن بیست و یکم منظومه‌ای حقوقی به وسعت جامعه جهانی را در قلمرو حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به ارمغان آورده است. در حقیقت اعلامیه جهانی حقوق بشر سنگ بنا و الهام‌بخش اسناد بین‌المللی مختلفی شده که موضوع و هدف اصلی آنها حراست از منزلت انسانی افراد بشر و فراهم ساختن امکانات رشد و بالندگی مادی و معنوی آنها می‌باشد.<sup>۱</sup> بعضی از آن اسناد

\* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، معاون پژوهشی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش

<sup>۱</sup> علت آن است که این اعلامیه اولاً و امدار هیچ آموزه خاص، اعم از سیاسی، دینی یا فلسفی نبوده، بیان‌کننده اعتقاد مشترک جهانیان به سرنوشت انسان و منادی آرمانی متعالی یعنی شأن و منزلت و آزادی جاودانه اوست؛ و ثانیاً به انسانی توجه دارد که فارغ از هر قید و بند مکانی و زمانی، شایسته حمایت است؛ و ثالثاً به دلالت محتوایش، برای نخستین بار از الگویی واحد سخن به میان آورده که در برگیرنده تمامی حقوق انسان اعم از طبیعی، مدنی، اجتماعی یا فرهنگی است که طبعاً باید در هر جامعه آزادمندی به صورتی انفکاک‌ناپذیر تأمین و تضمین گردد. هدایت‌الله فلسفی، «توالی معاهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر: همبودی و تعارض تعهدات دولتها»، *سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی*، ش ۱، ۱۳۸۴، ص ۱۴.

مثل میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) گستره‌ای وسیع از حقوق و آزادی‌ها را پوشش داده‌اند و برخی دیگر مثل کنوانسیون‌های منع و مجازات ژنوساید (۱۹۴۸)، منع تبعیض نژادی (۱۹۶۳) و منع شکنجه (۱۹۸۴) به مقابله با تعرضات جدی به حقوق اساسی بشر پرداختند و شماری دیگر نیز حمایت از حقوق افراد و گروه‌های خاص و آسیب‌پذیر را مورد توجه قرار داده‌اند (مثل کنوانسیون ۱۹۷۹ در مورد رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک).

قواعد مندرج در این اسناد که در قالب بسیاری از قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی و قوانین ملی نیز بیان شده‌اند عموماً به قواعد حقوق بین‌الملل عرفی مبدل شده‌اند.

رشد ماهوی نظام بین‌المللی حقوق بشر که به «تورم هنجای» نیز شهرت یافته، و تفکیک نظری حقوق بشر به نسل‌های مختلف را نیز موجه جلوه داده است، با توجه به ساختار جامعه بین‌المللی و تلقی حقوق بشر به عنوان معیار ارزیابی مشروعیت دولت و عملکرد آن قابل تحسین می‌باشد. چنین پیشرفتی هرچند لازم و ضروری قلمداد گشته و نباید کم‌اهمیت جلوه داده شود اما به تنهایی و به خودی خود جامعه‌ای عاری از ظلم و بی‌عدالتی به ارمغان نمی‌آورد. جامعه بین‌المللی فراتر از صرف استانداردهای حقوق بشر می‌باشد. ساخت نیازمند تضمین اجرا و رعایت استانداردهای حقوق بشر می‌باشد.

### مبحث اول - لزوم حمایت جهانی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی

مکانیسم‌های حمایتی حقوق بشر از سه منظر ملی، منطقه‌ای و جهانی قابل بررسی هستند. از بُعد ملی باید توجه داشت که حقوق بشر اصولاً در داخل مرزهای ملی نقض می‌شود و از اینرو حمایت مؤثر از حقوق بشر نیز باید از داخل کشورها آغاز شود. تقارن توسعه ماهوی و سازمانی نظام‌های حقوقی ملی، لزوم تنفیذ حقوق بشر در چارچوب ملی به عنوان تعهدی بین‌المللی، ضرورت تضمین حق جبران خسارت قربانیان نقض حقوق بشر توسط دولت، و جایگاه رفیع اصل محاکمه منصفانه در دادرسی‌های ملی باعث شده است که لزوم توسل مقدماتی قربانیان نقض حقوق بشر به مراجع ملی پیش‌شرط پذیرش شکایت وی در مراجع بین‌المللی ذیصلاح قلمداد

شود، مضافاً آنکه توسل فزاینده دادگاههای داخلی به اصل صلاحیت جهانی امکانات جدیدی را جهت مقابله با نقض حقوق بشر و حمایت از قربانیان در اختیار دادگاههای ملی قرار داده تا در محدوده‌ای فراتر از اصول کلاسیک اعمال صلاحیت کیفری یعنی صلاحیت سرزمینی، شخصی و واقعی اقدام نمایند.<sup>۲</sup>

با وجود این در جهانی که حقوق بشر اصولاً توسط دولت‌ها نقض می‌شود نمی‌توان در تضمین رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد به سازوکارهای ملی اکتفا نمود. بر همین اساس نهادهای بین‌المللی حمایت از حقوق بشر در دو جبهه منطقه‌ای و جهانی توسعه یافته‌اند.

نظامهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر با اتکا بر پیوندهای مشترک مادی و معنوی در مناطق جغرافیایی خاص شکل گرفته و به تدریج تکامل یافته‌اند. نظام اروپایی حقوق بشر که بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۰ رم به عنوان اولین نظام منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر ایجاد گردید در گذر ایام و با تنظیم پروتکل‌های مختلف به پیشرفته‌ترین نظام حمایتی منطقه‌ای در قلمرو حقوق بشر مبدل گشته است.<sup>۳</sup> با تصویب کنوانسیون ۱۹۶۹ (سان خوزه) نظام آمریکایی حقوق بشر نیز به عنوان یک نظام حمایتی منطقه‌ای آرام آرام به پیشرفتهای بیشتری دست یافت<sup>۴</sup> و در سطح قاره آفریقا نیز بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۱ در مورد حقوق بشر و مردم اخیراً شاهد ایجاد دیوان آفریقایی حقوق بشر بوده‌ایم.<sup>۵</sup>

<sup>۲</sup> برای مطالعه درباره صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل، نک: علی خالقی، «مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل»، مجله پژوهشهای حقوقی، ۱۳۸۲، ش ۲، صص ۵۷-۳۵.

<sup>۳</sup> برای مطالعه بیشتر نک: سیدعلی سادات اخوی، «پروتکل شماره ۱۴ و اصلاح نظام نظارتی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷۰، زمستان ۱۳۸۴، صص ۲۲۹-۲۱۳.

<sup>۴</sup> البته قبل از امضای کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، کمیسیون آمریکایی حقوق بشر در سال ۱۹۶۰ طبق قطعنامه مصوب سازمان کشورهای آمریکایی ایجاد شده بود تا بر اساس اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان (۱۹۴۸) به تحقیق و بررسی در مورد وضعیت کلی حقوق بشر در کشورهای عضو سازمان کشورهای آمریکایی بپردازد. بر اساس کنوانسیون ۱۹۶۹ سان خوزه بود که دیوان آمریکایی حقوق بشر ایجاد گردید.

<sup>۵</sup> Van Der Mei. Anne Pieter, "The New African Court on Human and People's Rights:

رشد و توسعه منطقه‌گرایی در حمایت از حقوق بشر نباید با جهانی بودن و وحدت و یکپارچگی حقوق بشر مغایر، و نوعی انشقاق ماهوی در آن قلمداد شود. چنین پدیده‌ای علاوه بر اینکه پیوندهای مشترک موجود در منطقه جغرافیایی ذریبط را به تصویر می‌کشد خود مبین تکوین توافقی جمعی برای حفاظت از ارزشهای مشترک انسانی در روابط فیما بین از طریق نهادی بین‌المللی می‌باشد. به هر حال، توسعه هنجاری حقوق بشر در سطح جهانی زمینه‌ساز شکل‌گیری و تکامل نهادهایی بین‌المللی بوده است که با اتکا به رشد پدیده سازمانی در دوران بعد از جنگ دوم جهانی به تضمین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در گستره‌ای فرامنطقه‌ای همت گمارده‌اند.

### مبحث دوم - نهادهای جهانی حمایت از حقوق بشر

نهادهای جهانی حمایت از حقوق بشر عمدتاً حول محور سازمان ملل متحد شکل گرفته و تکامل یافته‌اند، بدان نحو که برخی از آنها بر منشور سازمان ملل متحد مبتنی هستند و در زمره ارگانهای فرعی ملل متحد به شمار می‌روند و شماری دیگر اگر چه به لحاظ منشأ تأسیس بر دیگر معاهدات بین‌المللی مبتنی بوده‌اند اما به نحوی به سازمان ملل متحد وابسته شده‌اند.<sup>۶</sup>

کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون مقام زن، کمیته حقوق بشر، کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، کمیته رفع تبعیض نژادی، کمیته رفع تبعیض علیه زنان، کمیته منع شکنجه، کمیته حقوق کودک و... هر یک در حوزه تحت صلاحیت خویش بر اسناد بین‌المللی حقوق بشر نظارت می‌کنند. شیوه‌هایی که این نهادهای

← "Towards an Effective Human Rights Mechanism for Africa?", *Leiden Journal of International Law*, vol. 18, 2005, pp. 113-129.

<sup>۶</sup> جهانی قلمداد شدن شماری از نهادهای حمایتی حقوق بشر نباید باعث ایجاد این تصور شود که تمام دولتها و هر مسأله راجع به حقوق بشر در قالب آن نهادها قابل نظارت هستند. صلاحیت شخصی و موضوعی نهادهای ذریبط به واسطه حاکمیت ملی دولتها محدود شده است. وصف جهانی در تقابل با صفت منطقه‌ای فقط به آن معناست که سند تأسیس نهاد ذریبط یا معاهده‌ای بین‌المللی است که عضویت در آن برای تمام دولتها آزاد است و یا به علت تأسیس آن نهاد بر طبق قطعنامه مصوب سازمان ملل متحد، نهاد مزبور می‌تواند نسبت به تمام اعضای سازمان ملل متحد (اکنون ۱۹۲ دولت) به اعمال صلاحیت بپردازد.

جهانی جهت نظارت بر حقوق بشر مورد استفاده قرار داده‌اند از منعطف‌ترین آنها یعنی روش دریافت گزارش، تا مؤثرترین آنها یعنی سیستم طرح شکایات فردی قابل تقسیم‌بندی هستند.

شیوه معمول نظارتی در این نهادها تسلیم گزارش ادواری توسط دولتهای عضو اسناد بین‌المللی ذیربط می‌باشد. در این گزارشها دولتها بیان می‌دارند که برای ایفای تعهدات خود در حوزه حقوق بشر به چه اقداماتی مبادرت ورزیده، حاصل آن اقدامات چه بوده، به چه پیشرفتهایی نائل شده و با چه موانعی دست به گریبان‌اند. البته نهادهای نظارتی حقوق بشر علاوه بر دریافت اطلاعات تکمیلی از دیگر مراجع بین‌المللی دولتی و غیردولتی، از تعیین گزارشگران ویژه برای کشوری خاص یا موضوعی معین نیز بهره‌جسته‌اند تا بهتر و دقیق‌تر به واقعیت‌های موجود واقف شوند. اینها ابزارهایی مهم برای احراز واقعیتها و بسیج افکار عمومی در صحنه ملی و بین‌المللی است، عاملی که در حوزه حقوق بشر دولتها از آن واهمه دارند.

در برخی اسناد بین‌المللی مثل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۴۱) آئین طرح شکایت توسط دولتهای عضو علیه یکدیگر به اتهام نقض حقوق بشر مندرج در سند ذیربط- پیش‌بینی شده است.<sup>۷</sup> بدیهی است که دولتها به عنوان متهمان اصلی نقض حقوق بشر و بیمناک از مقابله به مثل، کمتر مبادرت به اقدامی می‌نمایند که ممکن است چند صباحی بعد خود قربانی آن باشند. به همین علت با اینکه بیش از یک سوم دولتهای عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر صلاحیت کمیته حقوق بشر در این مورد گردن نهاده‌اند ولی تاکنون هیچیک از آنها شکایتی را علیه دیگر دولت متعاقد به اتهام نقض میثاق مطرح نساخته است. به نظر می‌رسد در این مورد نوعی مصالحه و توافق ضمنی مبنی بر انفعال و عدم واکنش مؤثر میان دولتها پدید آمده باشد، هرچند که برای حفظ ظاهر، دولتهای ذیربط در مواردی چند به اعتراضهای سیاسی علیه یکدیگر مبادرت کرده‌اند.<sup>۸</sup>

<sup>۷</sup> صلاحیت کمیته حقوق بشر برای دریافت و رسیدگی به شکایات دولتهای عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۴۱ منوط به آن شده است که دولتهای مزبور با صدور اعلامیه صلاحیت کمیته حقوق بشر در این مورد را پذیرفته باشند. تاکنون بیش از ۵۰ دولت عضو میثاق چنین اعلامیه‌ای را صادر کرده‌اند.

<sup>۸</sup> در قالب نهادهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر این وضعیت تا حدودی متفاوت بوده است و

اما مهمترین و مؤثرترین شیوه جهانی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی آئین طرح شکایت فردی است، آئینی که به قربانی اصلی نقض حقوق بشر<sup>۹</sup>، حق طرح شکایت در مرجعی بین‌المللی را اعطاء می‌کند. آئین طرح شکایت فردی از جمله در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) و برخی دیگر از اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و در حال گسترش می‌باشد. این آئین از یکسو اختیاری است و به اعلام رضایت دولت ذیربط منوط گشته، و از سوی دیگر روش رسیدگی شبه قضائی است هرچند که نظریه نهایی لازم‌الاتباع نیست. البته به رغم این نقطه ضعفهای غیرقابل انکار، تأثیرگذاری و کارایی این سیستم قابل توجه بوده است.

از سوی دیگر لازم‌الاجرا شدن اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در اول ژوئیه ۲۰۰۲ نیز امید به تضمین جهانی حقوق بشر را بیش از پیش تقویت کرده است. دیوان صلاحیت دارد که از جمله به جرائم نسل‌کشی و جرائم علیه بشریت که در قلمرو یا توسط اتباع دولتهای عضو اساسنامه ارتکاب یافته رسیدگی نماید.<sup>۱۰</sup> با اینحال پیشنهاد ایجاد دیوان بین‌المللی حقوق بشر که توسط برخی دولتها (استرالیا) مطرح شده است خود از ضعفها و نارسایی‌هایی حکایت دارد که در ساختار و عملکرد نهادهای جهانی موجود در حوزه حمایت از حقوق بشر نهفته است.<sup>۱۱</sup>

← بارها شاهد طرح شکایت توسط دولتهای ذیربط علیه یکدیگر به اتهام نقض حقوق بشر بوده‌ایم. این واقعیت در یک نگاه کلی به زمینه‌های مشترک موجود در میان ملت‌های منطقه جغرافیایی ذیربط باز می‌گردد، و یا متأثر از قاعده مورد نقض و یا هویت قربانیان بوده است.

<sup>۹</sup> البته در رویه نهادهای نظارتی حقوق بشر واژه «قربانی» (Victim) به صورتی موسع تفسیر شده است تا آنجا که با وجود عدم پذیرش طرح شکایت به عنوان مدعی‌العموم (Actio popularis)، در صورت عدم توانایی قربانی اصلی در طرح شکایت، این مفهوم شامل افرادی نیز می‌شود که رابطه‌ای کافی و قابل اتکاء (نسبی، سببی و حتی دوستی) با قربانی اصلی داشته‌اند. دلیل اصلی و نهایی این تفسیر موسع، در فلسفه وجودی این نهادها نهفته است که حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌باشد و جبران خسارت شاکی خصوصی پیامد این حمایت است نه غایت آن.

<sup>۱۰</sup> نک: سیدقاسم زمانی، «استقرار دیوان کیفری بین‌المللی: بیمها و امیدها»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۱۳۸۲، ش ۲، صص ۵۹-۷۸.

<sup>۱۱</sup> ضمن اذعان به نقصهای موجود، اگر نیک بنگریم در می‌یابیم که حتی نهادهایی مثل صندوق ←

به نظر می‌رسد به یمن تلاشهای ملی، منطقه‌ای و جهانی، حقوق بشر از آن چنان شأن و منزلتی در جامعه بین‌المللی برخوردار شده، که پس از تکامل نسبی در حوزه استانداردهای سازی، در مسیر تکمیل و پیشبرد سازوکارهای نظارتی گام نهاده است.

### مبحث سوم - کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد: آئینهای نظارتی

در منشور سازمان ملل، پیوند ظرفیتی بین رعایت حقوق بشر و حفظ صلح و امنیت جهانی برقرار شده است. در مقدمه منشور، صلح و امنیت، و حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در کنار هم مورد توجه قرار گرفته، رعایت حقوق بشر عامل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد شده است. از سوی دیگر حقوق بشر به صورت مستقل نیز در منشور مطرح نظر بوده است، یعنی به عنوان یکی از اهداف سازمان ملل متحد در کنار حفظ صلح. در واقع رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در یکجا مبنا است و در جای دیگر هدف مستقل.

بند «ج» ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد، از احترام به آزادی‌های اساسی و حقوق بشر برای همه سخن می‌گوید یعنی هم ترویج (promotion) و هم حمایت (protection) از حقوق بشر در زمره آرمانهای ملل متحد قرار گرفته است.

در سازمان ملل متحد مسئولیت خاص ترویج و حمایت از حقوق بشر به شورای اقتصادی - اجتماعی تفویض شده است. به شورا مأموریت داده شده تا در این زمینه بررسی کند، گزارش دهد و توصیه‌نامه صادر نماید. شورا همچنین می‌تواند در حوزه حقوق بشر پیش‌نویس کنوانسیونهای بین‌المللی را تنظیم کند و کنفرانسهای بین‌المللی ضروری در زمینه حقوق بشر را تشکیل دهد.

علاوه بر این در ماده ۶۸ منشور اعلام شده که شورای اقتصادی - اجتماعی کمیسیونی را برای ترویج حقوق بشر و هر کمیسیون لازم دیگری تشکیل خواهد داد. شورای اقتصادی - اجتماعی در اولین جلسه خود در سال ۱۹۴۶ کمیسیون حقوق بشر را تأسیس نمود. اعضای کمیسیون که در نهایت به ۵۳ دولت بالغ گردید توسط

← بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان جهانی تجارت و... نیز هریک به نحوی در مقام حمایت از حقوق بشر اقدام کرده‌اند؛ ضمن آنکه از نقش سازمانهای غیردولتی مثل کمیته عفو بین‌الملل و... نیز در این زمینه نباید غافل شد.



شورای اقتصادی - اجتماعی تعیین می‌شدند. کمیسیون حقوق بشر بعدها کمیته فرعی راجع به ترویج و حمایت از حقوق بشر متشکل از ۲۶ کارشناس منتخب اعضای کمیسیون را تشکیل داد.

کمیسیون حقوق بشر در گام‌های اولیه خود به استانداردسازی و قاعده‌پروری در زمینه حقوق بشر مبادرت کرد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله حاصل مطالعات، تحقیقات و تلاش‌های کمیسیون حقوق بشر است.

در سال‌های اولیه فعالیت کمیسیون حقوق بشر شکایتهایی از دولت‌ها به اتهام نقض حقوق بشر به کمیسیون ارجاع گردید ولی کمیسیون در قطعنامه‌ای اعلام کرد نمی‌تواند به شکایات مربوط به نقض حقوق بشر رسیدگی کند. از جمله در سال ۱۹۴۶ دولت هند از رفتار آفریقای جنوبی با هندی‌تبارهای مقیم این کشور شکایت کرد ولی کمیسیون اعلام نمود که در این مورد اختیار رسیدگی ندارد.

براین اساس شورای اقتصادی - اجتماعی در سال ۱۹۴۷ در قطعنامه شماره ۷۵ اعلام کرد که کمیسیون حقوق بشر از هیچگونه اختیاری برای رسیدگی به شکایات مطروحه در زمینه نقض حقوق بشر برخوردار نمی‌باشد. این قطعنامه دارای دو بُعد بود. از یکسو شورای اقتصادی - اجتماعی به رکن فرعی خود تأکید کرد که حق رسیدگی به شکایات مربوط به نقض حقوق بشر را ندارد و بدین نحو صلاحیت آن را معین کرد. از سوی دیگر در این قطعنامه، نوعی ابراز همدردی با قربانیان نهفته بود و این امید که در صورت فراهم بودن شرایط، ممکن است کمیسیون در آینده از اختیار رسیدگی به شکایات برخوردار شود. بنابراین، در آن دوران بیشتر فعالیت کمیسیون حقوق بشر به تنظیم پیش‌نویس اسناد بین‌المللی راجع به حقوق بشر معطوف شد.

با وجود این، در دهه ۱۹۶۰ در این زمینه فشارهای بین‌المللی شدت گرفت. در سال ۱۹۶۵ شکایات مطروحه در مورد تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی، کمیسیون حقوق بشر را بیش از پیش تحت فشار قرار داد. در همین زمان که اجماع بین‌المللی نیز علیه دولت آفریقای جنوبی شکل گرفته بود کمیسیون فرصت را مغتنم شمرد و یک گروه کاری را تشکیل داد تا راجع به تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی به عنوان عملی ناقض حقوق بشر به بررسی و مطالعه بپردازد (سال ۱۹۶۷). این ابتکار کمیسیون مورد استقبال جامعه بین‌المللی قرار گرفت. هیچ دولتی رسماً کمیسیون

حقوق بشر را متهم نکرد که با مبادرت به این کار از حدود اختیاراتش فراتر رفته است. به نظر می‌رسید جامعه بین‌المللی در انتظار اقدامی اینچنین بوده است. در همان سال شورای اقتصادی - اجتماعی قطعنامه ۱۲۳۵ را تصویب کرد و به کمیسیون حقوق بشر صلاحیت داد که به صورت موضوعی، نقض سیستماتیک و گسترده حقوق بشر را - بدون اینکه کشور ناقض را مشخص کند - علناً مورد رسیدگی قرار دهد. کمیسیون بر اساس این قطعنامه از دولتها درخواست کرد که هر سه سال یکبار، گزارشی از وضع حقوق بشر در کشور خود ارائه کنند. به زودی این آئین با مشکلاتی مواجه شد. بسیاری از دولتها، از ارائه گزارش به کمیسیون حقوق بشر امتناع کردند یا به ارائه گزارشهای مبهم و کلی بسنده نمودند. به همین خاطر شورای اقتصادی - اجتماعی با صدور قطعنامه ۱۵۰۳ در سال ۱۹۷۰ به کمیسیون اجازه داد که از این به بعد به صورت محرمانه، نقضهای مستمر حقوق بشر را مورد رسیدگی قرار دهد. در این مورد علنی کردن گزارشها، اهرمی قوی و مؤثر علیه دولتهای خاطی بود. متعاقباً پس از اینکه در سال ۱۹۷۳ در شیلی، ژنرال پینوشه، با کودتایی رئیس جمهور منتخب مردم را سرنگون کرد، کمیسیون حقوق بشر یک گروه کاری را در مورد نقض حقوق بشر در شیلی تشکیل داد.

کمیسیون بعد از اینکه استقبال جامعه بین‌المللی از تشکیل گروه کاری را ملاحظه نمود، گروه گزارشگران ویژه را به همراه کارشناسان منصوب کرد تا در مورد افراد ناپدید شده در شیلی تحقیق کنند. استقبال بین‌المللی از این اقدام باعث شد که کمیسیون در سال ۱۹۸۰ گروه کاری راجع به ناپدید شدگان را تشکیل دهد تا در سراسر جهان به این موضوع رسیدگی کند و به تدریج پای را از حوزه رسیدگی به موضوع ناپدیدشدگان فراتر گذاشت و دیگر گروههای کاری را تشکیل داد که عبارتند از: اعدامهای خودسرانه و بدون محاکمه (۱۹۸۲)، شکنجه (۱۹۸۵)، ناپردباری مذهبی (۱۹۸۶)، مزدوران (۱۹۸۷)، خرید و فروش، فاحشگی و پورنوگرافی کودکان (۱۹۹۰)، بازداشت‌های خودسرانه (۱۹۹۱)،<sup>۱۲</sup> اشخاص خانه به دوش (۱۹۹۲)، آزادی عقیده و بیان (۱۹۹۳)، بیگانه‌ستیزی (۱۹۹۳)، کودکان در مخاصمات

<sup>۱۲</sup> از سال ۲۰۰۲ دکتر سیدمحمد هاشمی از جمهوری اسلامی ایران عضو گروه کاری راجع به بازداشت‌های خودسرانه بوده است.

مسلحانه (۱۹۹۳)، استقلال قضات و وکلا (۱۹۹۴)، فضولات سمی (۱۹۹۵)، فقر (۱۹۹۸)، حق توسعه (۱۹۹۸)، حق آموزش (۱۹۹۸)، حقوق مهاجران (۱۹۹۹)، حق مسکن (۲۰۰۰)، حق تغذیه (۲۰۰۰)، مدافعان حقوق بشر (۲۰۰۰)، و گروه کاری راجع به نژادپرستی و تبعیض نژادی علیه مردم آفریقایی تبار در سال ۲۰۰۲.

معمولاً این گروه‌های کاری متشکل از پنج کارشناس بودند و نتایج مطالعاتشان را به کمیسیون ارائه می‌دادند و در پاره‌ای از موارد ناچار بودند از کشورها بازدید کرده و به تحقیقات محلی مبادرت ورزند. برای این بازدیدها، کمیسیون قانوناً مکلف به جلب نظر مثبت دولت‌های ذیربط بود و دولت‌ها نیز الزامی به قبول گروه‌های کاری نداشتند ولی به لحاظ سیاسی تحت فشار بودند زیرا عدم پذیرش آنها می‌توانست اتهاماتی را متوجه آن دولت‌ها کند و در مورد درستی گزارش‌های ارسالی یا ادعاهای آن دولت‌ها، تردیدهایی جدی ایجاد نماید. عناوین گزارشگر ویژه، نماینده دبیرکل و... که در مورد اعضای این گروه‌ها استفاده شده مبین سلسله مراتب یا ماهیت اختیارات تفویض شده به آنها نبود.

کمیسیون علاوه بر اینکه طبق آئین قطعنامه ۱۵۰۳ کشورهای خاص را مورد بررسی قرار می‌داد، اما در موارد موضوعی هر سه سال یکبار به گزارش‌ها رسیدگی می‌نمود.

کارشناسان حق داشتند با نهادها و اشخاص غیردولتی ارتباط برقرار کرده و اطلاعات دریافت کنند و شرط لازم برای موفق بودن عملیات آنان استقلال عمل ایشان بود؛ یعنی باید از غرض‌ورزی و جانبداری اجتناب می‌ورزیدند.<sup>۱۳</sup>

کمیسیون حقوق بشر، گزارش خود در مورد نقض حقوق بشر در یک کشور یا یک موضوع خاص حقوق بشر را به شورای اقتصادی - اجتماعی ارجاع می‌کرد و

<sup>۱۳</sup> کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد ابراز داشته است که در صورت عدم استقلال کارشناسان عضو کمیسیون حقوق بشر، صحت و دقت گزارش آنان در مورد نقض استانداردهای حقوق بشر مورد تردید قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است برای اینکه این کارشناسان و گزارشگران باطمینان خاطر و بدون ترس و واهمه از مقام‌های محلی و دولتی کار کنند، از مصونیت برخوردار هستند یعنی توسط دادگاهها و مقامات دولتی، قابل تعقیب و مجازات نیستند. به واقع کنوانسیون ۱۹۴۶ در مورد مزایا و مصونیت‌های ملل متحد به آنها تسری داده شده است. آراء مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در سئالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۹ در مورد آق‌سای مازیلو (ICJ Reports, 1989) و آق‌سای کمارآسامی (ICJ Reports, 1999) نکات جالبی را در این مورد به دست داده‌اند.

شورا آن گزارش را به مجمع عمومی ارسال می‌نمود که ممکن بود منجر به تصویب قطعنامه شود. قطعنامه تصویب شده قانوناً الزام‌آور نبود ولی به لحاظ معنوی اعتبار زیادی داشت.

در سال ۲۰۰۰ تصمیم گرفته شد که آئین موضوع قطعنامه ۱۵۰۳ مخصوصاً رسیدگی محرمانه به شکایات ارجاعی مورد اصلاح و بازبینی قرار گیرد. بر همین اساس یک گروه کاری در مورد «اعتلای کارایی آئین‌های نظارتی کمیسیون حقوق بشر» پیش‌نویس قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۰ مورد تصویب شورای اقتصادی - اجتماعی قرار گرفت. بر اساس این قطعنامه، کمیسیون فرعی اعتلا و حمایت از حقوق بشر از میان اعضای خود گروهی را که نماینده پنج قاره جهان باشند انتخاب کرد تا این گروه شکایتهای دریافتی از افراد و گروههای مدعی نقض حقوق بشر و پاسخ دولتها را بررسی کنند و اگر دلایلی معقول مبنی بر الگوی هماهنگ و برنامه‌ریزی شده نقض حقوق بشر تحصیل می‌شد، پرونده را به گروه کاری ذیربط ارجاع می‌داد. تا زمان ارجاع پرونده به شورای اقتصادی - اجتماعی تمام مراحل محرمانه بود.<sup>۱۴</sup>

در یک نگاه کلی کمیسیون حقوق بشر نسبت به دیگر نهادهای جهانی نظارتی دارای دو مزیت برجسته بود. به لحاظ صلاحیت شخصی نهادهایی مثل کمیته حقوق بشر، کمیته منع شکنجه و... فقط می‌توانستند علیه دولتهای عضو معاهده ذیربط وارد عمل شوند ولی کمیسیون حقوق بشر در مورد تمام دولتهای عضو سازمان ملل دارای صلاحیت بود. از سوی دیگر کمیسیون سندی پایه و عمومی یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر را مبنای اقدام خود قرار داده بود سندی که به لحاظ موضوعی گسترده است و تقریباً تمام قواعد حقوق بشری را تحت پوشش قرار می‌دهد.

### مبحث چهارم - کارنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

به رغم دستاوردهای مثبت نسبتاً زیاد کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، باید توجه داشت که ۵۳ عضو کمیسیون نمایندگان دولت متبوع خود بودند و اعضای دائم

<sup>۱۴</sup> برای مطالعه بیشتر در مورد آئین کار کمیسیون حقوق بشر نک: فریده شایگان و دیگران، تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، زیر نظر جمشید ممتاز، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، صص ۸۳-۶۹.

شورای امنیت همیشه در کمیسیون دارای کرسی بوده‌اند. همین امر باعث شد که کمیسیون به لحاظ ساختار، رکنی کاملاً سیاسی محسوب شود.

بر همگان آشکار بود که واکنش کمیسیون حقوق بشر در مقابل نقض‌های گسترده و سیستماتیک حقوق بشر تا حد زیادی از موقعیت بین‌المللی دولت ذیربط تأثیر می‌پذیرد. برای مثال در سال ۱۹۷۷ کمیسیون از تحقیق در مورد نقض مستمر و فاحش حقوق بشر توسط رژیم وقت عیدی امین در اوگاندا امتناع ورزید در حالی که شمار زیادی از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و حتی کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیتها (رکن فرعی کمیسیون حقوق بشر) مصرراً از کمیسیون تقاضا می‌کردند که در این مورد از حالت انفعال خارج شود. علاوه بر این در اواخر دهه ۱۹۸۰ کمیسیون بارها اطلاعات راجع به نقض گسترده و فاحش حقوق بشر در عراق را نادیده گرفت. پس از محکومیت بین‌المللی تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۱ بود که کمیسیون حقوق بشر به تعیین گزارشگر ویژه در مورد عراق مبادرت ورزید و با وجود اینکه از سال ۲۰۰۴ به بعد به وجود گزارشگر مزبور درباره عراق شدیداً احساس نیاز می‌شد در اوایل سال ۲۰۰۴ به مأموریت آن خاتمه داد.

کمیسیون در مورد نقض‌های گسترده حقوق بشر که توسط قدرتهای بزرگ و بویژه اعضای دائم شورای امنیت صورت می‌پذیرفت در طول چند دهه جانب سکوت اختیار کرده بود تا اینکه برای اولین بار در سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ در مورد اقدامات فدراسیون روسیه در چین به تصویب قطعنامه‌هایی مبادرت ورزید (قطعنامه‌های شماره ۲۰۰۰/۵۸ و ۲۰۰۱/۲۴) که تأثیر چندانی نداشت. و سرانجام کمیسیون حقوق بشر در کشورها به لحاظ شیوه کاری خود نیز تا حد زیادی تحت فشار قرار داشت. سیاست‌زدگی کمیسیون مانع از بررسی وضعیت حقوق بشر بر مبنایی بی‌طرفانه و عینی می‌شد. کمیسیون در طول سال یک اجلاس شش هفته‌ای در ژنو داشت که این امر باعث می‌شد علاوه بر آنکه عنصر تداوم و استمرار در فعالیت کمیسیون وجود نداشته باشد بلکه به علت کمبود زمان بسیاری از حوزه‌های حقوق بشر مورد توجه قرار نگیرد. از سوی دیگر، کارهای کمیسیون تا حد زیادی مبتنی بر قطعنامه‌هایی بود که توسط دولت‌ها تهیه شده و به همان صورت به تصویب رسیده بود بدون آنکه وضعیت حقوق بشر در کشورهای ذیربط به صورتی عینی مورد بررسی قرار گرفته باشد.

بنابراین ساختار و عملکرد کمیسیون حقوق بشر انتقادهای زیادی را متوجه آن نموده بود.<sup>۱۵</sup> هیأت عالی منصوب دبیرکل که در دسامبر ۲۰۰۴ گزارش خود تحت عنوان «جهانی امن‌تر، مسؤولیت مشترک ما» را ارائه نمود از جمله اعلام کرد که کمیسیون حقوق بشر متأسفانه به یک رکن فوق‌العاده سیاسی تبدیل شده و باید اصلاح شود، عضویت در کمیسیون حقوق بشر باید به تمام کشورهای عضو سازمان ملل، توسعه پیدا کند و تمام دولتهای عضو کمیسیون حقوق بشر باید اشخاص برجسته و صاحب صلاحیت در مورد حقوق بشر را به عنوان رئیس هیأت نمایندگی خود در کمیسیون انتخاب کنند و علاوه بر این کمیسیون باید در کنار خود یک رکن یا شورای مشورتی یا هیأتی متشکل از کارشناسان مستقل داشته باشد.<sup>۱۶</sup>

علاوه بر این در مارس ۲۰۰۵ دبیرکل سازمان ملل متحد طی گزارشی تحت عنوان «به سوی آزادی گسترده‌تر» پیشنهاد تشکیل شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد را مطرح کرد. به زعم دبیرکل اگر سازمان ملل متحد می‌خواهد انتظارات مردان و زنان را در همه جا برآورده سازد و حقوق بشر را با عزم و جدیتی در حد امنیت و توسعه مد نظر قرار دهد باید شورای حقوق بشر را جایگزین کمیسیون حقوق بشر بنماید.<sup>۱۷</sup>

### مبحث پنجم - شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد: ساختار و مکانیسمهای نظارتی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سوم آوریل ۲۰۰۶ با تصویب قطعنامه ۶۰/۲۵۱ تشکیل شورای حقوق بشر را تأیید، و آن را جایگزین کمیسیون حقوق بشر نمود.<sup>۱۸</sup>

<sup>۱۵</sup> جمهوری اسلامی ایران نزدیک به دو دهه تحت سیستم نظارتی کمیسیون حقوق بشر بارها مورد انتقاد و محکومیت قرار گرفت. ایران همواره کمیسیون حقوق بشر را متهم می‌نمود که کمیسیون به صورت سیاسی با ایران برخورد می‌نماید و با نادیده گرفتن نقض حقوق بشر در بسیاری از کشورها به بزرگ‌نمایی نقض حقوق بشر در ایران می‌پردازد. بنابراین ایران همواره منتقد جدی عملکرد کمیسیون حقوق بشر بوده است.

<sup>۱۶</sup> برای مطالعه بیشتر نک: امیرساعد وکیل، «جهانی امن‌تر، مسؤولیت مشترک ما (گزارش هیأت عالی‌رتبه دبیرکل در خصوص تهدیدات، چالشها و تغییرها، دسامبر ۲۰۰۴)»، *مجله پژوهشهای حقوقی*، ۱۳۸۳، ش ۶، صص ۲۹۰-۲۶۱.

<sup>۱۷</sup> In Larger freedom: Towards developments, security and human rights for all, UN Doc, A/59/2005, para. 182.

<sup>۱۸</sup> کمیسیون حقوق بشر آخرین اجلاس خود را در ۲۷ مارس ۲۰۰۶ تشکیل داد و کلیه گزارشهای خود را

بر اساس این قطعنامه شورای حقوق بشر دارای ۴۷ عضو می‌باشد که با رأی مستقیم، فردی و مخفی اکثریت اعضای مجمع عمومی برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند و انتخاب آنها به صورت متوالی برای یک دوره دیگر، و به صورت متناوب برای دوره‌های بعد نیز امکان‌پذیر است. طبق بند ۷ قطعنامه عضویت در شورا بر مبنای توزیع منصفانه جغرافیایی خواهد بود و کرسی‌های شورا به شرح زیر میان گروه‌های منطقه‌ای توزیع می‌شود: کشورهای آفریقایی ۱۳ کرسی، کشورهای آسیایی ۱۳ کرسی، کشورهای اروپای شرقی ۶ کرسی، کشورهای آمریکای لاتین و حوزه کارائیب ۸ کرسی، کشورهای اروپای غربی و دیگر کشورها ۷ کرسی.<sup>۱۹</sup>

واگذاری مسأله انتخاب اعضای شورای حقوق بشر به مجمع عمومی سازمان ملل و نحوه توزیع کرسی‌های موجود در آن حکایت از آن دارد که از این حیث در مقایسه با کمیسیون حقوق بشر، شورای حقوق بشر تا حدی دموکراتیزه شده است. از سوی دیگر اگر در کمیسیون حقوق بشر قدرتهای بزرگ و بویژه اعضای دائم شورای امنیت عملاً از کرسی دائم برخوردار بودند اما در انتخاب اعضای شورا به سهم دولتهای متقاضی عضویت در اعتلا و حمایت از حقوق بشر توجهی ویژه مبذول شده و حتی پیش‌بینی شده است که مجمع عمومی با رأی  $\frac{2}{3}$  اعضای حاضر و رأی‌دهنده حق عضویت اعضای شورای حقوق بشر را به علت نقض شدید و سیستماتیک حقوق بشر به حالت تعلیق درآورد. علاوه بر این، کشورهای عضو شورای حقوق بشر بالاترین استانداردهای ترویج و حمایت از حقوق بشر را مورد پیروی قرار می‌دهند، بطور کامل با شورا همکاری می‌کنند و در طول دوران عضویت تحت مکانیسم نظارتی شورا قرار خواهند داشت (بند ۹ قطعنامه). بر این اساس،

← برای ادامه بررسی در اولین اجلاس شورای حقوق بشر در ژوئن ۲۰۰۶ به آن شورا ارجاع نمود. [Report on the sixty-second session, 13-27 March 2006, E/2006/23, E/CN.4/2006/122] بر اساس بند ۶ قطعنامه ۶۰/۲۵۱، شورای حقوق بشر تمام مأموریتها، وظایف و مسؤولیتهای کمیسیون حقوق بشر را پذیرا می‌شود.

<sup>۱۹</sup> اعضای فعلی شورای حقوق بشر عبارتند از: الجزایر، آرژانتین، آذربایجان، بحرین، بنگلادش، برزیل، کامرون، کانادا، چین، کوبا، جمهوری چک، جیبوتی، اکوادور، فنلاند، فرانسه، گابن، آلمان، غنا، گواتمالا، هند، اندونزی، ژاپن، اردن، مالزی، مالی، موریتانی، مکزیک، مراکش، هلند، نیجریه، پاکستان، پرو، فیلیپین، لهستان، جمهوری کره، رومانی، فدراسیون روسیه، عربستان سعودی، سنگال، آفریقای جنوبی، سری‌لانکا، سوئیس، تونس، اکراین، انگلستان، اروگوئه، زامبیا.

عضویت در شورا بدون اینکه امتیازات و مصونیت‌های ویژه‌ای برای دولتهای عضو به ارمغان آورد مسؤولیت آنها در زمینه ترویج و حمایت از حقوق بشر را توسعه می‌دهد. تردیدی نیست که برای رفع هرگونه شائبه از شورای حقوق بشر در وهله اول اعضای شورا باید خود الگوی مناسبی از کشورهای دارای التزام عملی به موازین بین‌المللی حقوق بشر قلمداد شوند.<sup>۲۰</sup>

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد طبق بند ۵ قطعنامه ۶۰/۲۵۱ از جمله مأموریت یافته است که اجرای کامل تعهدات دولتها در زمینه حقوق بشر را اعتلا بخشد و بر مبنای اطلاعات عینی و موثق، در سطح جهانی اجرای حقوق بشر توسط هر دولت<sup>۲۱</sup> را مورد بررسی قرار دهد و برای جلوگیری از نقض حقوق بشر به گفتگو و همکاری بپردازد و فوراً در قبال وضعیتهای اضطراری حقوق بشر واکنش نشان دهد. طبق قطعنامه مزبور که سند تأسیس شورا محسوب می‌شود و چارچوب اقدام آن را تعیین می‌کند شورای حقوق بشر از سه طریق بر اجرای حقوق بشر در سطح جهانی نظارت می‌کند: ۱- سیستم نظارت ادواری جامع و جهانی ۲- توجه و بررسی

<sup>۲۰</sup> قطعنامه تأسیس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد با ۱۷۰ رأی مثبت، چهار رأی منفی اسرائیل، آمریکا، پالائو، جزایر مارشال و سه رأی ممتنع بلاروس، ایران و ونزوئلا به تصویب رسید. مخالف جدی قطعنامه دولت ایالات متحد آمریکا بود. علت اصلی مخالفت این دولت عدم اعطای عضویت دائم در شورا به برخی دولتها از جمله دولت آمریکا بود. با اینحال آمریکا امکان عضویت دولتهای ناقض حقوق بشر در شورا را نیز دستاویزی برای توجیه مخالفت خود قرار داده بود. این ادعاهای واهی آمریکا و مخالفت آن با تشکیل شورای حقوق بشر باعث انزوای بیشتر آمریکا نزد افکار عمومی بین‌المللی شد. نک: <http://www.alertet.org/thenews/newsdesk/No9207521.htm>  
علاوه بر این از آنجا که جمهوری اسلامی ایران همواره منتقد جدی عملکرد کمیسیون حقوق بشر قلمداد می‌گردید رأی ممتنع ایران به قطعنامه مجمع عمومی در تأسیس شورای حقوق بشر جای بسی تأمل دارد. به هر حال موضع ایران در مقابل قطعنامه مزبور مانع از آن نشد که متعاقباً جمهوری اسلامی ایران برای عضویت در شورای حقوق بشر کاندیدا شود هر چند که ایران نتوانست برای عضویت در شورا اکثریت لازم در مجمع عمومی را کسب نماید.

<sup>۲۱</sup> هرچند در منشور سازمان ملل متحد جز در قالب بند ۶ ماده ۲ از امکان نظارت این سازمان بر دولتهای غیرعضو سخن به میان نیامده است و مجمع عمومی نیز اصولاً نمی‌تواند به رکن فرعی خود اختیاراتی تفویض نماید که خود فاقد آن است، اما قطعنامه ۶۰/۲۵۱ از این حیث قابل تأمل به نظر می‌رسد که جز در مورد اعضای شورای حقوق بشر که به تصریح بند ۸ قطعنامه از میان اعضای ملل متحد انتخاب می‌شوند، در سایر موارد بر قید عضویت در ملل متحد تصریح نکرده و در ظاهر امکان تعمیم صلاحیت شورای حقوق بشر به تمام دولتها را فراهم آورده است. پیش‌بینی یک سیستم نظارت ادواری جهانی در جزء e از بند ۵ قطعنامه نیز چنین برداشتی را تقویت می‌کند.



وضعیت‌های متضمن نقض‌های فاحش و سیستماتیک حقوق بشر<sup>۲۲</sup>، و ۳- بررسی دیگر وضعیت‌های مشتمل بر نقض حقوق بشر. شورای حقوق بشر بر اساس اطلاعات عینی و موثق در مورد اجرای تعهدات و الزامات ناشی از حقوق بشر توسط هر دولت به صورت ادواری در سطح جهان به بررسی می‌پردازد تا فراگیری و جهانی بودن سیستم نظارت خود و رفتار یکسان با تمام کشورها را تضمین نماید. این شیوه مکانیسمی مبتنی بر همکاری است که بر گفتگوهای متقابل با مشارکت کامل کشور ذیربط و درک نیاز به ظرفیت‌سازی تکیه دارد. بر این اساس شورای حقوق بشر نه تنها حق دارد بلکه مکلف است که در مورد تعهدات هر دولت در زمینه حقوق بشر به صورت ادواری و فراگیر به بررسی بپردازد. به واقع بر خلاف کمیسیون حقوق بشر که فقط می‌توانست در وضعیت‌های متضمن نقض جدی و سیستماتیک حقوق بشر به بررسی بپردازد شورای حقوق بشر قطع نظر از شدت و وخامت وضعیت، مکلف به اعمال نظارت شده است.<sup>۲۳</sup>

لازم به توضیح است که طبق بند ۵ قطعنامه ۶۰/۲۵۱ سیستم نظارت ادواری جامع و جهانی شورای حقوق بشر باید شش ضرورت اساسی را اجابت نماید:

**الف -** این سیستم باید بر اطلاعات عینی و موثق مبتنی باشد بدین معنا که به اطلاعات ارائه شده توسط دولت ذیربط اکتفا نشود و یا به دیگر اطلاعات واهی ترتیب اثر ندهد. بر همین اساس بند ۳ قطعنامه از لزوم همکاری شورا با دیگر نهادهای ملل متحد در حوزه حقوق بشر سخن به میان آورده است. علاوه بر این کسب اطلاعات موثق از منابع قابل اطمینان، لزوم همکاری شورا با نهادهای ملی حقوق بشر، سازمان‌های غیردولتی دارای مقام مشورتی نزد شورای اقتصادی - اجتماعی و نیز دیگر نهادهای متخصص در زمینه حقوق بشر را ایجاب می‌نماید.

**ب -** سیستم نظارت ادواری باید فراگیری و برخورد یکسان با کلیه دولت‌ها را

<sup>۲۲</sup> در این مورد سه نکته قابل تذکر است. اول آنکه شورای حقوق بشر وضعیت‌های متضمن نقض سیستماتیک حقوق بشر را نه فقط به صورت موضوعی بلکه به صورت کشوری نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. دوم آنکه شورای حقوق بشر در این زمینه مکلف به اقدام است. سوم آنکه صلاحیت شورا به نقض‌های فاحش و سیستماتیک محدود نمی‌گردد.

<sup>۲۳</sup> البته طبق بند ۳ قطعنامه مؤسس شورا، وضعیت‌های متضمن نقض حقوق بشر از جمله نقض‌های جدی و سیستماتیک مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند با وجود این صلاحیت شورا به مقابله با نقض‌های فاحش و سیستماتیک محدود نشده است.

تضمین نماید. برخورد غیرگزینشی و غیرتبعیض آمیز با تمام دولتها مفید این معناست که بر طبق آئین و روش از پیش تعیین شده و به صورت ادواری تمام دولتها تحت نظارت قرار گیرند و از این حیث بویژه هیچ تفاوتی میان کشورهای عضو و غیرعضو شورای حقوق بشر ایجاد نشود.

ج- چنین سیستمی باید بر اجرای تعهدات و الزامات ناشی از حقوق بشر توسط هر دولت تمرکز شود. به واقع صرفاً تعهدات عام و جهانی مطمح نظر نخواهد بود و تمام تعهدات منبعث از حقوق بشر در کلیه حوزه‌های حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تحت نظارت خواهند بود. در این چارچوب تصویب معاهدات ناظر بر حقوق بشر، استرداد رزروهای اعمال شده بر معاهدات حقوق بشر و اعتلای اجرای ملی تعهدات حقوق بشری مورد تأکید ویژه هستند.

د- سیستم نظارت، مکانیسمی همکاری بر مبنای گفتگوهای متقابل با مشارکت کامل کشور ذیربط می‌باشد. در حقیقت سیستم نظارت شورا به نتیجه‌گیری توسط شورا تنزل نمی‌یابد بلکه در طی فرایند متقابل میان شورای حقوق بشر و دولت ذیربط ادامه می‌یابد.

ه- در این سیستم قابلیتها و نیازهای کشورهای کشور ذیربط مورد توجه قرار می‌گیرد. به دیگر سخن نتیجه بررسی به شناسایی نقصها و نارسایی‌های آن کشور در زمینه حقوق بشر محدود نمی‌گردد بلکه راههای غلبه بر آنها نیز بررسی و توصیه می‌شوند مثل ارائه مشاوره و مساعدت فنی.

و- شورای حقوق بشر مکمل دیگر نهادهای حقوق بشری است نه آنکه بخواهد به تکرار کارهای آنها مبادرت ورزد. به واقع نقش شورا بیشتر در مورد کشورهایی برجسته خواهد بود که معدودی از معاهدات را در حوزه حقوق بشر تصویب کرده‌اند یا تا حد زیادی از حیطة نظارت نهادهای بین‌المللی موجود بیرون مانده‌اند.<sup>۲۴</sup> بر اساس قطعنامه ۶۰/۲۵۱، بر خلاف کمیسیون حقوق بشر، شورای حقوق بشر در طول سال به صورت منظم و حداقل سه جلسه خواهد داشت از جمله یک اجلاس اصلی که کمتر از ۱۰ هفته نخواهد بود. شورا در صورت لزوم به

<sup>24</sup> Walter Käline and Others, *The Human Rights Council and Country Situations, Framework, Challenges and Models* Institute of Public Law, University of Bern, 2006, pp. 2-10.

درخواست هریک از اعضا و با رأی  $\frac{1}{3}$  اعضا می‌تواند به تشکیل جلسات خاص و ویژه مبادرت ورزد.

شورا در مورد ترویج و حمایت از حقوق بشر به صدور توصیه‌نامه مبادرت می‌ورزد و گزارشی سالانه به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم می‌دارد. اولین اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد از ۱۹ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۰۶ در ژنو تشکیل گردید. در این اجلاس پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی راجع به حمایت از تمام اشخاص در قبال ناپدیدسازی اجباری، و نیز اعلامیه ملل متحد در مورد حقوق مردمان بومی به تصویب رسید. شورا در این اجلاس ۸ قطعنامه از جمله در مورد وضعیت موجود در فلسطین و دیگر سرزمینهای اشغالی اعراب به تصویب رساند. شورا در مورد مأموریتها و مکانیسمهای بر جای مانده از کمیسیون حقوق بشر تصمیم گرفت که: ۱- مأموریت گروه کاری راجع به پروتکل الحاقی به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برای دو سال دیگر تمدید نماید، ۲- مأموریت گروه کاری راجع به حق توسعه را برای یک سال دیگر تمدید کند، ۳- برای یک سال دیگر مأموریتهای تمام آئینهای ویژه کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون فرعی اعتلا و حمایت از حقوق بشر و نیز آئین قطعنامه ۱۵۰۳ را تمدید نماید. ۴- مأموریت گروه کاری راجع به اجرای مؤثر اعلامیه دوربان و برنامه اقدام را برای ۳ سال دیگر تمدید نماید. شورای حقوق بشر در مورد مکانیسم نظارت ادواری جهانی نیز تصمیم گرفت که یک گروه کاری ایجاد نماید تا در مورد ویژگی‌های این مکانیسم به بررسی بپردازد.

شورای حقوق بشر در اجلاس ویژه خود که در ۱۱ اوت ۲۰۰۶ (۲۰ مرداد ۱۳۸۵) تشکیل گردید با ۲۷ رأی موافق، ۱۱ رأی مخالف و ۸ رأی ممتنع قطعنامه‌ای را تحت عنوان «وضعیت وخیم حقوق بشر در لبنان در اثر عملیات نظامی اسرائیل» به تصویب رساند<sup>۲۵</sup> و طی آن نقض جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط اسرائیل در لبنان را قویاً محکوم نمود. شورا ضمن درخواست رعایت قواعد حقوق بشر از طرفهای درگیر، با اعزام فوری کمیسیون تحقیق متشکل از اعضای عالیرتبه شورا به لبنان جهت بررسی حملات سیستماتیک اسرائیل به غیرنظامیان

<sup>25</sup> A/HRC/S-2/L-1.

لبنانی موافقت کرد. این کمیسیون باید گزارش خود را تا اول سپتامبر ۲۰۰۶ (۱۰ شهریور ۱۳۸۵) به شورا ارائه دهد. اجلاس بعدی شورای حقوق بشر از ۱۸ سپتامبر تا ۶ اکتبر سال جاری برگزار خواهد شد.

### گذشته چراغ راه آینده

پایداری و تداوم حیات نهادهای بین‌المللی تا حد زیادی به میزان کارایی و نقش آنها در تحقق اهدافی بستگی دارد که بدان علت پای به عرصه وجود نهاده‌اند. بسیاری نهادهایی که چند صباحی به تنظیم، ساماندهی و کانالیزه کردن روابط بین‌المللی همت گماردند و پس از مدتی جای خود را به نهادهایی دیگر دادند. این واقعیت مبین پویایی و تحول روابط بین‌المللی است.

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که قریب به شصت سال (۲۰۰۶-۱۹۴۶) مرکزیت ترویج، اعتلا و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را در خانواده سازمان ملل متحد بر عهده داشت با توجه به امکانات و شرایط موجود به موفقیت‌های زیادی دست یافت و تجربه‌ای گرانبار از خود بر جای گذاشت.

کمیسیون حقوق بشر به عنوان رکن فرعی شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد در توسعه و پیشرفت نظام بین‌المللی حقوق بشر از حیث تجهیز آن به کنوانسیونها و قطعنامه‌های بین‌المللی کارنامه‌ای نسبتاً درخشان از خود به یادگار گذاشت و در پیشرفت ماهوی نظام بین‌المللی حقوق بشر نقش بسزایی ایفا نمود. کمیسیون به عنوان نهاد مسؤول نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر نیز دستاوردهایی قابل توجه داشته است هرچند که در این حوزه به لحاظ ساختار و عملکرد ایرادهای نسبتاً موجه و فراوانی علیه آن دامن زده شد، ایرادهایی که سرانجام زمینه ظهور شورای حقوق بشر را به عنوان رکن فرعی مجمع عمومی و جایگزین کمیسیون حقوق بشر فراهم ساخت.

هرچند در ایجاد شورای حقوق بشر تلاش شده است که از ناکامی‌ها و نارسایی‌های کمیسیون حقوق بشر درس عبرت گرفته شود و شورا با اختیارات و امکانات گسترده‌تری تجهیز شود ولی در ارزیابی کارنامه کمیسیون حقوق بشر نباید بیش از حد بدبینانه، و فارغ از شرایط موجود به قضاوت نشست کما اینکه نسبت به

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز نباید با پیشنهادی در قضاوت شتاب نمود و تأثیر عوامل غیرحقوقی بر عملکرد شورا را به هیچ انگاشت. «یان الیاسون» ریاست مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۶ در اجلاس افتتاحیه شورای حقوق بشر ابراز داشت که شورا باید با عملکرد خود اثبات نماید که فصلی تازه در فعالیت ملل متحد و در حوزه حقوق بشر آغاز شده است.<sup>۲۶</sup>

به هر حال نفس ایجاد شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد را باید به فال نیک گرفت.<sup>۲۷</sup> این امر ضرورت توسعه نهادها و مکانیسم‌های جهانی حمایت از حقوق بشر را بیش از پیش نمایان ساخته است. با اینحال در ارزیابی کارنامه گذشته کمیسیون حقوق بشر و پیش‌بینی کارنامه آینده شورای حقوق بشر از یکسو نباید جانب افراط و تفریط پیمود و از سوی دیگر نباید از نقش موانع اصلی و زیربنایی غفلت ورزید. تردیدی نیست که در عدم کارایی و یا ضعف نهادهای بین‌المللی (بین‌الدولی) بویژه در حوزه حمایت از حقوق بشر، ایراد اصلی و اساسی متوجه دولتهایی است که نهادهای مزبور را علیل و ناتوان خلق کرده، از اعطای امکانات رشد و بالندگی به آنها دریغ ورزیده و تا حد امکان تلاش کرده‌اند با نادیده گرفتن ویژگی بین‌المللی آن نهادها، منافع ملی خود را بر منافع جامعه بین‌المللی اولویت بخشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>26</sup> <http://www.un.org/news/press/docs/2006/hrc2.doc.htm>.

<sup>27</sup> با تشکیل شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد برخی ادعان داشته‌اند که حقوق بشر، در کنار توسعه و امنیت ستونهای سه‌گانه سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهند. به قول آقای کوفی عنان توسعه و امنیت لازم و ملزوم یکدیگرند و بدون حقوق بشر نیل به هیچیک از آنها امکان‌پذیر نیست. نک: Amnesty International, *Meeting the Challenge: Transforming the Commission on Human Rights into a Human Rights Council*, AI Index: IOR 40/008/2005.



# JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. V, NO. 1

2006-1

## Articles

- The Pros and Cons on Iran's Nuclear Rights: From IAEA Board of Governors to UN Security Council
- Formation of Contract at Cyberspace
- Applicable Law in Air Transport: Study of Fokker 28 and C-130 Crashes
- Prohibition of Islamic Headscarf in Europe from Human Rights Law Perspective
- Reparation for Damages Caused to Iran by Illegal Attacks of USA to the Iranian Oil Platforms

## Special Issue: Investment Law in Iran

- Critical Analysis of Securities and Stock Exchange Act (2005) and Its Effects on Iranian Capital Market
- Study of Trade Related Investment Measures Agreement (TRIMs) and Legal Effects of Iran Accession to It
- Legal Aspects of Transferring Technology via Foreign Investment
- Foreign Investment in Context of B.O.T. Contracts and the Iranian Foreign Investment Promotion and Protection Act
- Investment Compensation Scheme in EU Law

## Critique and Presentation

- Expediency of the General Board of the Supreme Court in Referring Juvenile Delinquency to County Criminal Courts
- Legal Context of 1696 Security Council Resolution on Iran's Nuclear Programme
- Universal Monitoring on Compliance with Human Rights: From UN Human Rights Commission to Council of Human Rights



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study